

**تاریخ اسلام** معهومه رضایی؛ تاریخ‌پژوه

## ریش خواص در حکومت امیر مؤمنان ۴

کتاب «ریش خواص در حکومت امیرمؤمنان(ع)» به قلم جواد سلیمانی به بررسی عوامل لغزش ۶۶نفر از خواص در حکومت علوی می‌پردازد و از بسوی نشر معارف چاپ و منتشر شده است.
در این کتاب ۶۶نفر از چهره‌های خوش سلساقه و متنفذ حکومت علوی، معرفی و لغزشگاه‌ها و عوامل

ریش‌شان بر اساس اسناد دست‌اول تاریخی بررسی شده است. آنها به ۴جریان صدارت‌طلبان فتنه‌گر، منحجران آشوبگر، اعتزالیون عافیت‌طلب و اعتزالیون قدرت‌طلب تقسیم شده‌اند اما از آنجا که برخی از آنان در قالب‌های مذکور قرار نمی‌گرفته‌اند، بر اساس اوصافی که در تاریخ دربار ه‌شان گفته شده، به عالمان، قاضیان، خطیبان، شاعران، دوستانان بی‌وفا و چهره‌های بانفوذ تقسیم شده‌اند.
در این کتاب، چهره‌های خوش سابقه و متنفذ حکومت علوی، معرفی و لغزشگاه‌ها و عوامل ریش‌شان بررسی می‌شود تا از این رهگذر هم خواص اهل لغزش شناسایی شده و علت لغزش‌شان تحلیل شود. البته قبل از معرفی چهره‌های مذکور، نخست مباحثی چون تعریف، اهمیت، طابع و فرایند رویش خواص در صدر اسلام بررسی شده و سهم لغزش‌خواص در تضعیف حکومت امیرمؤمنان(ع) به‌طور اجمال بررسی شده است.
خواص اهل لغزش کسانی هستند که در زمان حکومت علی(ع) به نوعی با سیاست‌های آن حضرت هماهنگ نشدند. برخی با آن حضرت بیعت نکرده، بعضی در جنگ‌ها آن حضرت را یاری نکردند و برخی دیگر به‌صورت رسمی در مقابلهٔ ایستادگی کردند و به جنگ با آن حضرت برخاستند و برخی دیگر پرچم مبارزه فرهنگی و اجتماعی را علیه آن حضرت برافراشتند.

## تاریخ پایداری

## یک محسن عزیز

کتاب «یک محسن عزیز» به قلم فاضله فگار حدادی اثری در قالب زندگی‌نامه بر اساس زندگی شهید محسن وزوایی است که از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. این کتاب از کودکی و نوجوانی شهید شروع می‌شود، به نقش

شهید وزوایی در تسخیر لانه جاسوسی می‌پردازد و در فصل انتهایی کتاب هم رشادت‌های شهید وزوایی در دوران دفاع‌مقدس روایت می‌شود. در این کتاب برای نخستین‌بار نامه‌هایی از شهید وزوایی را می‌خوانیم که برای خواهری که در آمریکا داشته ارسال کرده است. این نامه‌ها ابعاد دیگری از شخصیت شهید وزوایی را به نمایش می‌گذارند. او دوست دار بود آمریکا درس بخواند اما در نهایت خود را هنگامه جنگ می‌بیند و برای این راه هزر قدمی برمی‌دارد. کتاب شرح ۴سالگی است که محسن وزوایی را از یک آدم معمولی عزیز و یک قهرمان می‌کند. هنر نویسنده نزدیک کردن مخاطب به قهرمانی است که تاحالا او نمی‌شناخته است. در بخشی از کتاب «یک محسن عزیز» می‌خوانیم: «به اصرار عزیز و به خاطر دل بچه‌ها که می‌خواستند یکی روز روز دیگر بهمانند از باجه تلف کنار میدان به امان زنگ زد و چند روزی همان جاماندنی نشد. وحید را جای همشگی‌اش پیدا کرد. نوی زمین اسفالت پایین مدرسه شجری و در حال فوتبال بازی کردن. همدیگر را بغل کردند و به دقیقه نکشید که محسن هم وارد بازی شد و هنوز چند باری پا به توپ نشده بود که متوجه اختراع جدیدشان شد.»

## تاریخ شفاهی

## روایت محسن پاکباری

کتاب «روایت محسن پاکباری» اثری در بخش تاریخ شفاهی دفاع‌مقدس است که در آن، خاطرات و مشاهدات و گاهی هم شنیده‌های محسن پاکباری، معاون عملیات لشکر ۱۹فجر از زبان خودش بازخوانی و روایت شده است. او یکی از پایه‌گذاران سپاه فارس بود و

در چند عملیات مهم مثل محرم، بدر، رمضان و فتح‌المبین حضور داشت. کتاب حاضر به قلم محمد قاسمی مکتوب شده و زهره علی‌سنگری کار بازنویسی و تدوین نهایی متن آن را انجام داده و ناشر کتاب هم مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس است. در فصل اول کتاب، راوی از دوران کودکی، سال‌های تحصیل و علاقه‌اش به ورزش کشتی می‌گوید و بعد صحبت می‌کند. او در همان مقطع مدتی در کربلای معلی خدمت کرد و آموزش دید و بعد هم زندگی مشترکش را آغاز کرد. فصل‌های سوم و چهارم کتاب، مرور خاطرات راوی از جنگ است؛ از شروع جنگ تا پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸(که برای او خاطره تلخی بود). از عملیات‌های موفق و پیروزی‌های ما تا ناگامی‌ها و تجربیات تلخ، از دشواری‌ها تا زیبایی‌ها، از حضورش در عملیات‌ها و مواجهه با دشمن تا زندگی با مرور خاطراتی از سال‌های حکومت محمد نینی رودکی، هم‌زمین پاکباری و بعد نگاهی به اسناد مرتبط با او به پایان می‌رسد.

## گزارش



## رفراندوم، در آینه تاریخ و تجربه حکومت‌ها

## سراب تغییر موسمی نظام سیاسی

عوام گرا هستیم که برای هر تصمیمی ابتدا نگران ریش‌زای مردم هستند و نه درستی و غلطی تصمیماتشان. چنین امری قطعاً اداره کشور را تابه می‌کند

ب؛ در چنین نظامی، گروه‌های سیاسی و مردم نیز برای حفظ و بقا، مبارزه سیاسی می‌کنند، نه رقابت سازنده درون سیستمی؛ یعنی همیشه صحنه رقابت‌های سیاسی، با نهایت نزاع و تخاصم سیاسی دنبال می‌شود و چنین رویکردی به‌جای سازندوبودن، تخریبی و اقتصادی‌ناپذیر است. برای اثبات این ادعا می‌توانیم به آنچه در خارج از مرزهای نظام قبلی که افرادی زبده و تشکیلاتی هستند، از فردای شکست، عملیات سیاسی خود را برای زمین‌زدن سیستم جدید آغاز خواهند کرد.

ج؛ در چنین نظامی، نه ملت تکلیف خودش را با نظام سیاسی منزلزل و نامعلوم حاکم بر کشور می‌داند و نه سایر ملت‌ها و دولت‌های جهان. تمام برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها، با چنین نظامی که از کان سیاسی آن ثابت نیست، معلق است. حتی تغییرات مکرر و بی‌ثباتی در قوانین عادی هم، انسبب‌های زیادی دارد و ملامت یکا تغییر در قوانین گم‌گرا، تاجر و کارآفرینان سرمایه‌خود را از دست می‌دهند.
د؛ در چنین نظامی، خصوصادر کشورهای ضعیف‌تر، دخالت‌های خارجی فوق‌العاده مغرب و خطرناک خواهد بود؛ چراکه با قدرت زیربنایی و وسع اقتصاد، سیاسی، رسانه‌ای و با کمک پیروزی‌های اطلاعی، قدرتمند خود، می‌توانند سرنوشت سیاسی کشور را به‌دست بگیرند، یا تأثیر قابل توجهی بر آن داشته باشند.

ه؛ وقتی تا این حد، شرایط پرتنش و حساس بر مناسبات سیاسی یک کشور حاکم شود، به‌بانه‌های مختلف مثل تقلب و نزدیک آرا و استفاده از قدرت، خصوصاً اگر فاصله برنده و بازنده نزدیک باشد، کسی قانع نمی‌شود و کم‌کم پیروزی‌های رأی کنار رفته و کشور مبتلا به جنگ‌های داخلی می‌شود.

## رفراندوم و اصل لزوم ثبات نظام سیاسی

نظام سیاسی برای ایجاد ثبات در جامعه پدید می‌آید و قانون اساسی نیز در تحکیم نظام سیاسی تدوین می‌شود تا در نهایت جامعه و کشور در پر تو قانون اساسی و نظام سیاسی، به آرامش و استقرار دست یابد. به همین دلیل است که سخن از رفراندوم از آنجا که با روح نظام سیاسی – که همانا ثبات است- سازگار

نیست، در حقوق اساسی همه کشورها امری مغفل و متروک است. به این لحاظ قوانین اساسی هر چند ممکن است تغییراتی را برای خود پذیرا باشند، اما این تغییرات به حدی نیست که جوهره و ماهیت آن را تهدید کند. چنان‌که نظام‌های سیاسی عمر خود را با پیش‌بینی رفراندوم از پیش تعیین نمی‌کنند و هیچ‌گاه خود را در معرض رفراندوم قرار نمی‌دهند. با بحفظ تمامی ساز کارهای پیشین، صرفاً برای از اوقات، بدون هیچ تغییری در یک نظام سیاسی و یا حفظ تمامی ساختار موجود اثبات کند. حق برهم‌زدن نظام موجود نیز زمانی اثبات می‌شود که بطلان و غیر قابل قبول بودن نظم کنونی به اثبات رسیده باشد و علاوه بر آن، نظام سیاسی جدید و معقول نیز معرفی شود. در همین راستا اقدام انقلابی ملت ایران در سال ۱۳۵۷، هر چند در جنبه اثباتی درخواست یک نظام اسلامی بود اما در بعد سلبی نفی و نقد نظام شاهنشاهی بود که چون در آن نقد موفق بود، توازن میان ثبات‌خواهی و دگرگونی‌طلبی را برهم زد و گفته توازن را به نفع حقایقت انقلاب متحول کرد. در حقیقت اگر امام‌خمینی(ره) در مقطع پیروزی انقلاب ادعا کردند، که این نسل حق دارد آنچه پدران او خواست‌اند را رد کند و نخواهد، پس از آن بود که اثبات کرد نظام شاهنشاهی و حاکمیت وراثتی از اساس غیرعقلی و غیر قابل قبول است؛ یعنی اثبات حقایقت برهم‌زدن نظم موجود مبتنی بر این بود که بطلان و غیر نظم برسد و البته پیش از آن، مدل نظام سیاسی قابل قبولی نیز ارائه دهند. لذا حضرت امام(ره) سال‌ها پیش از

## تاریخ



۱۳ فروردین ۱۳۵۸،تلفاتی از رفراندوم جمهوری اسلامی

## رفراندوم و تجربه حکومت‌ها

## سراب تغییر موسمی نظام سیاسی

انقلاب، اصل ولایت فقیه را به‌عنوان مدل برگزیده نظام سیاسی اسلام معرفی فرمودند.

در زمان حال نیز به‌نظر می‌رسد اگر بخشی از نسل نو، بنا به تغییر داشته باشد و در عین حال بخواهد از نگاه جامعه متمهم به آشوبگر و شورشی نشود، باید قبل از هر چیز به مبانی نظم موجود بپردازد و آنها را فهم کند؛ اگرچه اگر آنها را احقانی نیافت، به اثبات عدم‌حقیقت این نظم بپردازد. و پس از طی این مرحله، به‌خودی‌خود تغییر را عنیبت خواهد بخشید، اما در غیر این صورت اگر برخی به نام حق تعیین سرنوشت بخواهند ثبات جامعه را بر هم بزنند و مینشاق ملی را زیر پا بگذارند، از سهوی‌نظام مردم به‌عنوان ارث‌آشوب‌طلب و برهم‌زدگان نظم تلفی شده و نظام حقوقی و قضایی نیز با آنان برخورد خواهد کرد. در غیر این صورت، حاصل آن آب در هاون کوبیدن و عرض خود بردن و زحمت‌دادن به انقلاب اسلامی است. به همین دلیل گروه‌های ضدانقلاب از همان ابتدای پیروزی انقلاب، از هیچ تلاشی برای به صحنه آوردن مردم علیه نظام اسلامی دریغ نکرده‌اند، اما کمترین توفیقی در جلب اعتماد عمومی، برای ارائه یکسک آلت‌رناتیو برای نظام اسلامی نداشت‌ه‌اند. ده‌ها تلویزیون ضدانقلابی از مردم خواست‌اند که در راهپیمایی‌ها شرکت کنند، پای صندوق‌های رأی حاضر نشده رأی ندهند، در شورش‌های خیابانی علیه نظام شرکت کنند و ده‌ها دعوت دیگر که مردم کم‌ترین توجهی به این یاهوسرایی‌ها نداشته، بیش از پیش وفاداری خود را به انقلاب و نظام اسلامی اثبات کرده‌اند.

## رفراندوم و شورش: تنها راه‌های اعمال حق حاکمیت؟

برخی فکر می‌کنند راه اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت خویش، تنها با رفراندوم است و یا شورش علیه نظام اسلامی، در حالی‌که اعمال حق حاکمیت، تنها از مسیر انقلاب نمی‌گذرد و برگزاری رفراندوم، تنها معیار شناخت دیدگاه نسل‌ها پیرامون نظام‌های سیاسی نیست بلکه راهکارهای متعددی از قبیل انتخابات، راهپیمایی، نظارت و نقد و بررسی عملکرد مسئولان، کمک به تحقق اهداف و آرمان‌ها، اصلاح مشکلات و همکاری در پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف برای اعمال حق حاکمیت نسل‌ها و شناخت دیدگاه‌های آنان وجود دارد. در این روست که بخش عظیمی از نسل جدید که در عرصه‌های دفاع از نظام

## گروه‌های وابسته از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، از هیچ تلاشی برای به صحنه آوردن مردم علیه نظام برآمده از آن دریغ نکرده‌اند

## اما کمترین توفیقی در جلب اعتماد عمومی، برای ارائه یک آلت‌رناتیو برای جمهوری اسلامی نداشته‌اند.

## ده‌ها تلویزیون ضدانقلاب از مردم خواسته‌اند که در راهپیمایی‌ها شرکت نکنند، پای صندوق‌های رأی حاضر نشده رأی ندهند، در شورش‌های خیابانی علیه نظام شرکت کنند و ده‌ها دعوت دیگر که مردم کمترین توجهی به این یاهوسرایی‌ها نکرده، بیش از پیش وفاداری خود را به نظام اسلامی اثبات کرده‌اند

اسلامی سر از پانمی‌شناسند نیز با مشارکت گسترده در انتخابات ریاست‌جمهوری، ششوراه‌ها و مجلس خبرگان رهبری و همچنین راهپیمایی‌های عظیم مردمی نظیر راهپیمایی عظیم و میلیونی عاشورا بیان روه نهم زی‌ده ماه در سراسر کشور و… درحال اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت خود هستند اینان کسانی‌اند که در مبانی دینی و عقلانی این نظام مطالعه کرده و با احتیاتی یافتن آنها، به دفاع همه‌جانبه از آن می‌پردازند. بنابراین باید توجه داشت که تعیین سرنوشت، تنها در مقابله با نظم موجود نیست و دفاع از نظام جمهوری اسلامی نیز بدون شک اعمال حق تعیین سرنوشت از طرف نسل حاضر است. در واقع طرح مسئله حذف نسللی و ادعای تفاوت ارزش‌های سیاسی نسل نو با نسل گذشته، از سوی دشمنان با این‌انگیزه صورت می‌پذیرد که مقدماتی فراهم شود، تا این نظام مردمی اسلامی از طریق خود مردم از هم بپاشد و گرنه کیست که نداند آنان که از طرف آب‌ها به‌قبال اجابت خواست نسل کنونی کشورهای مشرق زمین از جمله ایران هستند، به‌رغم گذشت چندین قرن از انقلاب‌های خود و انتخاب نوع نظام سیاسی توسط نسل‌های بسیار دور، هر گز حاضر نبوده‌اند که در راهپیمایی‌ها شرکت کنند، جوان خود توصیه کنند.

اگر از همه بررسی جمهوری اسلامی ۴۴سال و از همه بررسی اصلاحات قانون اساسی جمهوری اسلامی ۳۳می‌گذرد، قانون اساسی ایالات‌متحده آمریکا که در سال ۱۷۸۹ میلادی و حدود ۲۳۴سال پیش به تصویب رسیده است، با چه میزان از بحران مشروعیت برای ملت امروز آمریکا روبه‌روست؟! در واقع آمریکا از ۲۰۰ الی ۳۰۰سال

پیش که موجودیت پیدا کرد تا امروز، رفراندومی مانند جمهوری اسلامی بر گزار نکرده است، یا تلویح صدها سال نظام سلطنتی تا امروز، در مورد نوع حکومت خود، از مرزش نظر خواهی نکرده است. فرانسه، ایتالیا و بسیاری از ممالکی که در ادعای دمکراسی و حق حاکمیت ملی، پیشرو بوده و مدعی صدها سال سابقه تمرین و مشق مردم‌سالاری هستند نیز در یک قرن اخیر از مردم درخصوص نوع حکومت نظر خواهی نکرده‌اند و قوانین اساسی آنها هم کم‌وبیش مربوط به تاریخ‌هایی است که تعریف «ملت‌ها امروز» را به کلی از دست‌ده‌اند!ا یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده در آن کشورها، «حق اعتراض مدنی» است. این حق هم اصلا به این معنی نیست که افراد ازاد باشند تا علیه اصل نظام سیاسی و فعالیت و یا تبلیغ کنند بلکه خط قرمز همه نظام‌ها، اصل آن نظام موجود است. برای مثال ما جنبش «وال استریت» را در امریکا می‌بینیم که به وسیله همه‌جینش «جلیقه زردها» در فرانسه که در دولت امریکا به شکل خشنی سرکوب می‌شود و به وسیله دولت مکررون به شدت سرکوب می‌شود، زیرا که هر دو جنبش علیه نظام سرمایه‌داری بوده است. پس حق اعتراض مدنی که در برخی از قوانین اساسی کشورها آمده، به مقولاتی در ذیل نظام سیاسی مستقر بر می‌گردد، برای مثال اگر عده‌ای از مردم به یک مصوبهٔ مجلس سا یک اقدام دولت، اعتراض داشته‌اند، با استفاده از این حق می‌توانند اعتراض‌شان را در قالب یک تجمع یا راهپیمایی اعلام کنند، آنچنان‌که در قانون اساسی مانیز وجود دارد، اما اینکه اصل نظام سیاسی را تخطئه کنند، در هیچ نظامی از هیچ‌جای دنیا پذیرفته نیست و هیچ نظامی اصل موجودیت خود را، در معرض تشکیک و رفراندوم دوره‌ای یا موسمی قرار نمی‌دهد و هیچ قانون اساسی‌ای در هیچ کنج‌ای دنیا، اجازه نفی نظام سیاسی متبوع خود را نمی‌دهد، چه برسد به اینکه آن را به رأی بگذارند، چرا‌که مانع ایجاد هرچ‌ومرج داخلی و خارجی نیست به سیستم اداره کشور است.

## نگاه

بازخوانی مخالفت سیدمحمد خاتمی

با طرح پیشنهاد رفراندوم بنی‌صدر در سال ۶۰

## باز خوانی یک تجربه تاریخی از سیاسی بازی با رفراندوم

رفراندوم واژه‌ای آشناست که در تاریخ انقلاب، بارها به بهانه‌های مختلف از آن یادشده است و از سال ۱۳۶۰ تاکنون، بارها پیشنهاد برگزاری همه پرسی از سوی روسای جمهور، احزاب و اشخاص مختلف مطرح شده است. در این میان «ابوالحسن بنی‌صدر»، نخستین کسی است که در سال ۱۳۶۰، پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی را مطرح کرد، او که به‌دنبال دوقطبی‌سازی با دیگر نهادهای قانونی و حذف آنها از صحنه سیاسی و افزایش قدرت خود بود، در پی اختلافاتش با مجلس و به‌ویژه شهید رجایی، در ۱۳۰دیبهشت ماه ۶۰، در سؤالی با این پیش‌فرض که کشور در بن‌بست سیاسی قرار دارد، راه بدون بحران خروج از این بن‌بست را، رأی‌گیری از مردم معرفی کرد. او با این تصور که ۱۱میلیون بدنه اجتماعی در سطح کشور دارد و هیچ قدرتی در کشور، هم‌پای او نیست، چنین پیشنهادی را طرح کرد و سعی داشت با پوشش «قانون اساسی»، نهادهای قانونی دیگر را کنار بزند. بنی‌صدر گفته بود: «اگر میزان رأی ملت است و من به‌عنوان رئیس‌جمهور موقعیت خودم را در خطر می‌بینم، حق دارم پیشنهاد بکنم این میزان اظهار بشود یا خیر؟ اگر چنین حقی دارم، آقا جواب من تهدید است؟… من خیال می‌کنم سالم‌ترین راه بدون بحران این است که از خود مردم خواسته شود که همه موافقت کنند، به مردم مراجعه کنیم و با رأی عمومی آنچه باید بشود، بشود…».

اظهارات بنی‌صدر که پیش‌تر از سبوی رسانه‌های طرفدار او از جمله نشر به مجاهد (راگان رسانه‌ای مجاهدین خلق) مطرح شده بود و بعد از آن هم از سوی رسانه‌های طرفدار او گفته می‌شد، بازتاب گسترده‌ای داشت. در همان زمان، یکی از چهره‌هایی که با پیشنهاد رفراندوم بنی‌صدر مخالفت کرد، سیدمحمد خاتمی، نماینده وقت اردکان در مجلس و از نیروهای چپ‌گرای خط امامی بود. او در مقاله‌ای مفصل که در ۴نوبت در روزهای ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ خرداد ۶۰ در روزنامه کیهان و با تیتر «آرای عمومی» منتشر شد، در پاسخ به بنی‌صدر گفته بود: «اولاً بن‌بست در جایی است که ملاک مشترک برای رفع اختلاف و کشف حق و باطل وجود نداشته باشد، در حالی‌که قانون اساسی، این خوینهای گرانقدر شهیدان اسلام که به تصویب امت و تأیید امام رسیده است، در دست ماست. چرا ما به خود حق می‌دهیم که تمام ملرا را در خود خلاصه شده ببینیم و اختلاف میان مسئولان رده بالا را، اختلاف میان مردم به حساب آوریم و سخنگیری‌های غیرقانونی خود را، به‌صورت یک بن‌بست معرفی کنیم و برای شکستن این بن‌بست موهوم، روی قانون اساسی پلی بزنیماً؟! ثانیا، در ورای قانون، امام امت هست که مشرع‌وعیت قانون و مقامات قانونی نیز مرهون رهبری اسلامی اوست. رهبری که در تفسیرترین تنگناها، با موضع‌گیری‌های قاطع خویش انقلاب را به پیش رانده است و حضور او در صحنه حتی به خویش‌مندانترین فتنه‌های شیطنی‌وار روزگار که تمام تلاش خود را صرف در بند نگه داشتن ایران می‌کردند، اجازه نداده است که برای این مردم و این انقلاب بن‌بست ایجاد کنند، چرا توان‌اند با اتکا به پشتیبانی‌های بی‌دریغ این چندان را که پاره‌ای آن را بن‌بست به حساب می‌آورند، از سر راه بردارند؟ او در ادامه کلیدواژه‌هایی مثل «خواست مردم» و



۱۳۶۰. پاریس، ابوالحسن بنی‌صدر

و مسعود رجوی در پی فرار از ایران

«اراده‌مردم» و «آرای مردم»، را حربه دشمنان انقلاب برای ضربه به نظام اسلامی دانسته و حریف نهایی را درباره پیشنهاد رفراندوم بنی‌صدر می‌زند و می‌گوید: «مردم بزرگ‌تر و عزیزتر از آن هستند که هر روز بخوایم به‌صورت بازیچه به این سو و آن سوی‌شان بکشانیم و آنان را وجه‌المصلحهٔ خواسته‌های عملی نشده خود قرار دهیم…» «ملت‌ها امروز» را به کلی از دست‌ده‌اند!ا یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده در آن کشورها، «حق اعتراض مدنی» است. این حق هم اصلا به این معنی نیست که افراد ازاد باشند تا علیه اصل نظام سیاسی و فعالیت و یا تبلیغ کنند بلکه خط قرمز همه نظام‌ها، اصل آن نظام موجود است. برای مثال ما جنبش «وال استریت» را در امریکا می‌بینیم که به وسیله همه‌جینش «جلیقه زردها» در فرانسه که در دولت امریکا به شکل خشنی سرکوب می‌شود و به وسیله دولت مکررون به شدت سرکوب می‌شود، زیرا که هر دو جنبش علیه نظام سرمایه‌داری بوده است. پس حق اعتراض مدنی که در برخی از قوانین اساسی کشورها آمده، به مقولاتی در ذیل نظام سیاسی مستقر بر می‌گردد، برای مثال اگر عده‌ای از مردم به یک مصوبهٔ مجلس سا یک اقدام دولت، اعتراض داشته‌اند، با استفاده از این حق می‌توانند اعتراض‌شان را در قالب یک تجمع یا راهپیمایی اعلام کنند، آنچنان‌که در قانون اساسی مانیز وجود دارد، اما اینکه اصل نظام سیاسی را تخطئه کنند، در هیچ نظامی از هیچ‌جای دنیا پذیرفته نیست و هیچ نظامی اصل موجودیت خود را، در معرض تشکیک و رفراندوم دوره‌ای یا موسمی قرار نمی‌دهد و هیچ قانون اساسی‌ای در هیچ کنج‌ای دنیا، اجازه نفی نظام سیاسی متبوع خود را نمی‌دهد، چه برسد به اینکه آن را به رأی بگذارند، چرا‌که مانع ایجاد هرچ‌ومرج داخلی و خارجی نیست به سیستم اداره کشور است.